

پس از وقفه کوتاهی، از سه شنبه گذشته بار دیگر کمپاره و بمب اندازی بر طرابلس آغاز شد. برخلاف ادعاهای شان این جنگی نبود که در عرض چند روز به پایان برسد. امروز دیگر آشکار است که همانطور که گفته بودیم، جنگ داخلی و حضور نظامی ناتو، تقابلی است با انقلابی که از تونس و مصر آغاز گردید و ادامه آن، امروز در یمن و اردن و سوریه و دیگر کشورهای عربی، در جریان است.

آشکار شد که تا چه حد تبلیغات بی وقفه بنگاه ها و احزاب بی سی و سی ان ان و همکارانشان، دال بر امکان قدرت گیری "هیولای اسلام فاندامنالیست و نیروهای اسلامی" بی پایه و اساس بود. آشکار شد که تمامی این تبلیغات هدفی جز برحزرداشتن مردم از هرگونه اقدامی علیه دولت های خودی نداشت.

در طی این مدت، سیاستمداران شان، یکی پس از دیگری، از عدم آشنایی شان با اپوزیسیون در کشورهای عربی، شکوه کردند و گفتند که پاسخی برای تقابل با آنچه که به نام "بهار عرب" معروف شده است، ندارند. چه

سفر هیات نمایندگی احزاب کمونیست کارگری عراق، کردستان و حکمتیست به مصر



نمایندگی سه حزب و هدف از سفر آن به مصر را معرفی کرد که با استقبال گرم حضار مواجه شد. نشست حول انتقادات، ملاحظات و اعتراض رهبران کارگری به آن قانون بحث کرد و توافق شد که هیاتی برای بیان نظرات و مواضع خود به وزارت کار بفرستند.

غروب آن روز فارس محمود با جمعی از جوانان فعال در انقلاب دیدار و درباره تجارب روزهای انقلاب گفتگو کرد. همچنین در دیدار درباره موقعیت جنبش کمونیستی در عراق بحث شد و به پرسشهای حاضران در مورد برنامه "یک دنیای بهتر" پاسخ داده شد.

دوم ژوئن هیات در جلسه مشترک با رهبری حزب سوسیالیست مصر شرکت کرد. طرفین درباره

مصر و عراق، اوضاع جنبش کارگری در دو کشور، مهمترین مسائل مرتبط با اوضاع انقلابی در مصر و تحولات جدید نظیر تعدیل قانون اساسی و انتخابات پیش رو تبادل نظر شد. در این دیدار فارس محمود از تجربه حزب کمونیست کارگری عراق در جامعه عراق و درسهای حاصل از آن صحبت کرد.

همان روز فارس محمود از طرف هیات نمایندگی سه حزب در نشست وسیع رهبران و فعالین کارگری و اتحادیه ای شرکت کرد که حدود چهل شخصیت جهانی کارگری در آن حضور داشتند و هدف از آن تبادل نظر درباره پروژه "قانون حقوق و آزادیهای اتحادیه ای در مصر" بود. در ابتدای نشست فتح الله محروس از رهبران کارگری و کمونیست شناخته شده و محبوب مصر، هیات

یک هیات به نمایندگی از حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست و احزاب کمونیست کارگری کردستان و عراق در سفر سیاسی ده روزه ای از قاهره پایتخت مصر دیدار کردند. این هیات مرکب از نادیه محمود و فارس محمود اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق بود. هیات در این سفر با شماری از احزاب چپ شامل احزابی که بعد از انقلاب ژانویه تاسیس شده اند و نیز با شماری از شخصیتهای کارگری و رهبران کارگری و اتحادیه ای دیدار کرد و در تعدادی از جلسات و تجمعات کارگری و توده ای شرکت کرد.

روز اول ژوئن، فارس محمود با حمدی حسین از رهبران بارز کارگری مصر و هیاتی از رهبری حزب کمونیست مصر دیدار کرد که در آن درباره اوضاع جاری

آزادی اسالو و دفاع از کارگران زندانی

گفتگو با خالد حاج محمدی



مصطفی اسدپور: اسالو و زندانی شدنش همانطور که شما گفتید، در چند سال اخیر یکی از نقاط گره ای کشمکش بین مردم، نهادهای مختلف، دولتها، مجامع بین المللی و از جمله حزب حکمتیست با دولت جمهوری اسلامی بوده. خبر تلاش برای آزادی اسالو در صدر اخبار بوده است. به نظر میرسد که دو تفسیر در این مورد داده میشود. یکی قدر قدرتی جمهوری اسلامی که با بی اعتنائی به تمام فشارهای بزرگ و گسترده بین المللی اسالو را تا آخر حکمی که خوش خواست در زندان نگه داشت و تفسیر دیگری که داده میشود اینکه این دوره را به عنوان دوره پر افتخار از مبارزات مؤثر عنوان می کند. تفسیر شما چه است؟

خالد حاج محمدی: هیچکدام از این تفاسیر به تنهایی واقعی نیست. من فکر میکنم دولت جمهوری اسلامی تمام تلاشش را کرد که اسالو را تا آخرین لحظه در بند نگه دارد. در کنار آن حول آزادی اسالو و بقیه فعالین کارگری چون مددی، رضا رخشان، رضا شهبانی و تعداد زیادی که زندانی شدند یک همبستگی جهانی شکل گرفت، تلاش زیادی در سطح جهان در دفاع از آنها پیش برده شد. امروز دفاع از کارگر و فعالین کارگری در ایران و دفاع از مطالبات طبقه کارگر ایران در بخش اعظم تشکلهای کارگری، اتحادیه ها، حتی در میدیای بین المللی مسئله است. من فکر میکنم این دو تفسیر با هم

شد. اتحادیه های کارگری، رسانه هایی که بویی از انسانیت برده اند، برای آزادی اسالو تلاش کردند و جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشتند. خود ما در کل این پروسه به سهم خود تلاش زیادی به خرج داده ایم. طبیعتا انسان از شنیدن این خبر خوشحال میشود. از این نظر آزادی اسالو امیدواری برای این صف بود، مایه خوشحالی صفی بود که حول تلاش برای آزادی اسالو همبستگی شورانگیزی را بوجود آوردند و امروز احساس میکنند تلاش آنان نتیجه و ثمره ای داشته است. قطعاً اگر این اعتراض و فشار بین المللی نبود جمهوری اسلامی نه تنها اسالو بلکه بسیاری از رهبران کارگری که در زندان هستند را، مدتها پیش، از بین برده بود. مثل سالهای پیش، مثل کشتارهای جمعی ای که در زندانهای ایران صورت گرفت. آزادی منصور اسالو مایه خوشحالی، طبقه کارگر ایران و همه کسانی است که در این پروسه سهمی ادا کردند. من هم این آزادی و این پیروزی را به خانواده اسالو، به خودش و به همکارانش و به کل کارگران شرکت واحد، به فعالین کارگری و کل طبقه کارگر ایران، تبریک می گویم.

مصطفی اسد پور: در اطلاعیه حزب خبر آزادی اسالو، با تبریک این خبر به خانواده ایشان و همه کسانی که برای آزادی اسالو تلاش کرده بودند، منعکس گردید و مورد استقبال قرار گرفت. میخواستم بپرسم که این خبر برای شما از چه اهمیتی برخوردار بود.

خالد حاج محمدی: آزادی اسالو اولاً به عنوان آزادی شخص اسالو، با توجه به وضعیت جسمی وخیمی که خود اسالو در زندان پیدا کرده بود، به عنوان یک انسان برای ما مهم بود. علاوه بر این آزادی اسالو به عنوان یک رهبر کارگری از زمان شروع اعتصاب کارگران شرکت واحد در سال ۸۴، به همراه دیگر نمایندگان کارگران شرکت واحد، به جرم تلاش برای اتحاد کارگران به بند کشیده شدند، برای ما حائز اهمیت بود. طی چهار سال علیه دستگیری و زندانی کردن اسالو و برای آزادی تلاشهای زیادی در سطح بین المللی صورت گرفت. اسالو امروز به شخصیت شناخته شده ای در جنبش کارگری تبدیل شده است. برای آزادی اسالو به عنوان یک رهبر کارگری، صف وسیعی نه تنها در ایران، در کشورهای همجوار، در اروپا تشکیل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

لیبی، خاورمیانه و جهان عرب....

حمله نظامی به لیبی، و چه اظهار عدم توانایی شان در رابطه با کشت و کشتار در سوریه و یمن، تماماً نشانی از به افقی سیاسی شان در مورد تحولات خاورمیانه است. بی افقی که در اولین وهله، بی اعتباری سیاسی مزمونی نصیب دولتهای غربی سنتا حاکم در خاورمیانه، و حکومت های محلی مرتجع و متحد غرب، کرده است.

بی اعتباری سیاسی که امکان داده است، فرضیات قدیم در مورد "سیاست منطقه ای" با تقابل هایی مواجه شود که کم سابقه اند. از یکطرف حماس و برسمیت شناختن اسرائیل و مذاکرات حول آن یا فتح مطرح شده است، از طرفی دیگر، عربستان سعودی حتی از گرفتن رأی عمومی برای بالابردن بشکه های تولید نفت در اجلاس اوپک ناتوان مانده است.

آشکار است که تقلائی سران جمهوری اسلامی، و اصرار بر اینکه تحولات و اعتراضات مردم در منطقه، بخشی از حرکت و جنبش اسلامی خودشان است، کاملاً بیهوده است. بن بست، درهم ریختگی و اغتشاش به جایی نرسیده است که احمدی نژاد طی سفرهای اخیرش بر طبل تبلیغات جدیدی می کوبد و ادعا می کند که "دوران سرمایه داری و کمونیسم به پایان رسیده است و راه حل ایرانی تنها پاسخ بشریت است!" از طرف دیگر ناسیونالیست ایرانی ادعا دارد که "رشد و شکوفایی در ایران زبان زد عام و خاص است."

بر خلاف پروپاگاندا و اراجیفی از این دست، همه می دانند که تحولات و انقلابات در منطقه، توان جمهوری اسلامی به مثابه یک پای مذاکرات منطقه ای را تحت فشار و در حقیقت تضعیف کرده است. بورژوازی عرب در این دوره حق بیشتری برای خود طلب می کند، و حتی قائل است. بی دلیل نیست که هیئت حاکمه در مصر به ایران هشدار می دهد که پایش را از گلیم خودش درازتر نکند، ویا امکان دخالت جمهوری اسلامی در اوضاع کشورهای خلیج مرتباً محدود و محدود تر می شود. به این اعتبار در این دوره و همزمان با بی افقی سیاسی غرب، اوضاع منطقه بیانگر نافرجامی و بی اعتباری نیروهای هم پیمان حزب الله جمهوری اسلامی و سیاستشان در تقابل با غرب، نیز می باشد. در حقیقت، سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی نیز در این بی افقی عمومی حاکم بر ارتجاع غرب و ارتجاع منطقه شریک است.

در این شرایط، در شرایطی که روحیه

اعتماد به قدرت خود تحت تاثیر تحولات خاورمیانه در ایران هم رشد میکند، و در شرایطی که جمهوری اسلامی تحت فشار است، ما بار دیگر دیدیم که چگونه اپوزیسیون چپ بورژوازی و ضد رژیم ایران از دیدن جنگنده های ناتو بفرز لیبی، "قند در دلش آب" و برای اجرای همین طرح در ایران "دست به دعا" شده بود! دیدیم که چگونه در کمال وقاحت، غبطه می خوردند که "ای کاش ناتو و جنگنده های غرب همین بمب ها یی که در لیبی می ریزند، را بر دربار خامنه ای می ریختند". بار دیگر معلوم شد که در مرام این چپ بورژوازی، طبقه کارگر، مردم و زنان در ایران، تنها و تنها ابزاری هستند برای "اهداف ضد رژیمی" خود.

برای ما کمونیست ها اما از روز اول مسلم بود که راه حل خلاصی، نه ارتش ناتو است و نه "لابی ها" و دالان های زدوبندهای بورژوازی جهانی.

در این دوره هم، و در دل این تحولات هم، مجدداً لازم است بر اهمیت آگاهی طبقه کارگر تاکید کرد. طبقه کارگر باید مرز خود را با دوستان دروغین خود، بشناسد. لازم است بر اهمیت این حقیقت که اگر کارگران آگاه و متشکل در صحنه حضور نداشته باشند، اگر کمونیسم متشکل نباشد، حرکت های عظیم توده ای در تقابل با وضع موجود، میتواند دستمایه منافع طبقات ارتجاعی و سیاست های ضد مردمی شود. اتحاد کارگری، و تشکل های کمونیستی کارگری، امری است که در این دوره می تواند بیش از هر زمان دیگری راهگشا باشد.

آزادی اسالو و دفاع از ...

بدهد. همچنان که کارگر ماهشهر موفق میشود که مطالباتش را به رژیم تحمیل کند. جمهوری اسلامی زیر فشار متحد کارگران مجبور میشود که فعالین کارگری را آزاد کند. جمهوری اسلامی این تهدید را در این سطح در مقابل خودش نمی بیند و همین باعث شده که مقداری دستش باز باشد و مرعوب کند، بتواند پروژه و برنامه اش را علیه فعالین کارگری و خوشنام که اتحاد طبقه کارگر را به درجه ای تأمین میکند، پیش ببرد.

مصطفی اسد پور: اجازه بدهید در آخر گفتگو به اسالو برگردیم. همانطور که من در ابتدا گفتم و شما مطلع هستید از طرف خانواده اسالو دو روز بعد از آزادی او اعلام گردید که گویا زندانبانان جمهوری اسلامی گفته اند که این آزادی نیست و فقط مرخصی بوده و دوباره به زندان باز خواهد گشت. کلا فکر میکنید این پروسه آیا یک پروسه گشاداری است که جمهوری اسلامی نگذارد کسی طعم شیرین آزادی اش را بچشد، اصلا کلا به چه وضعی است و برای آزادی اسالو چقدر باید خوشبین بود و چه چیزهایی را مد نظر قرار داد؟

خالد حاج محمدی: آزادی هیچ فعال کارگری ای در جامعه ایران، حداقل تا جایی که من میدانم هیچوقت تضمین شده نبوده، و همیشه بازگشت به زندان هست. حالا موردش شاید خیلی موقت بوده ولی این تهدید که "به زندان بر میگردی و پرونده ات باز است" همیشه هست، برای اینکه فشار و تهدیدی

روی فعال آزاد شده بگذارند که پس از آزادی از زندان به دنبال فعالیتهای گذشته اش و به دنبال جمع کردن رفقا و همکارانش و ادامه مبارزه اش و کمک به مبارزه کارگران نیفتد. در این مورد نمونه محمود صالحی خیلی گویا است، مگر کارگران سقز همین وضعیت را نداشتند؟ مگر کارگران هفت تپه همین وضعیت را نداشتند؟ مگر در ایران خودرور همین وضعیت وجود نداشت؟ شما تحركات دانشگاه را در چند سال گذشته قبل از حرکت سبز را در نظر بگیرید، پرونده تمام فعالین دانشجویی پس از گذشت چند سال کماکان باز است تا اگر دست از پا خطا کنند دوباره به زندان برگردند. در مورد اسالو هم همینطور است. این تهدیدی دائمی روی سر فعالین کارگری، روی سر مخالفین جمهوری اسلامی و روی سر آمدهای رادیکال و چپ و انسانهای آزادیخواه و کسانی که نقشی دارند، تأثیری دارند و اتحادی را ایجاد میکنند و در مبارزه مردم و طبقه کارگر برای بهبود زندگیشان نقشی ایفا میکنند، است. تهدید جمهوری اسلامی برای ساکت کردنشان، برای دست کشیدن شان از مبارزه، برای به تمکین کشاندن آنها و قناعت کنند به وضعیتی که در آن قرار دارند، یا اینکه انتخاب کنند که دوباره به زندان برگردند.

"... در ۳۰ فرورد ۱۳۶۰ که یک کودتای فونین ضد انقلابی-اسلامی صورت میگیرد. هجوه میآورند و روزی ۳۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، (روزنامه ها) را میبندند و مخالفینشان را تار و مار میکنند. این آن پدیده ای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود داشته باشد. مقطع پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی، ۳۰ فرورد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن.

این یک کودتای فشن بود و بر مبنای اعداد و کشتار وسیع پیروز شد. ... آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی فواهد رسید که مردم ایران و جهان مینشینند و ممامه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ فرورد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک فواهد ریفت منصور مکت

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

آزادی اسالو و دفاع از ...

واقعی است، تلاشهایی که برای آزادی اسالو شد و فشاری که به جمهوری اسلامی وارد آمد یک جنبه است و یک جنبه هم جمهوری اسلامی با تمام توانش تلاش میکند و فکر میکند نگه داشتن اینها در زندان و تنبیه کردن رهبران و نمایندگان هر بخش از کارگران ایران، راه ممانعت از به میدان آمدن دشمنی است که اگر به میدان بیاید، تمام قدر قدرتی جمهوری اسلامی یک روزه در هم پیچیده می شود. این دو تفسیر را باید در کنار هم گذاشت و آنوقت تفسیر واقعی تر و زمینی تر و عینی تر خواهیم داشت.

مصطفی اسد پور: اسالو یکی از اسامی و نامها و تقاطعاتی بوده که بستر مبارزات گسترده ای شد، شما گفتید که اعتراضات تنها برای آزادی اسالو نبود، اسالو تنها کارگر زندانی نبود و لیست بلند بالایی را شامل میشد و مبارزه برای آزادی اسالو همچنان برای آزادی دیگر کارگران زندانی و آزادی تشکلهای تعقیب میشد. کلا فکر میکنید در این دوره خارج از خود اسالو اعتراض علیه جمهوری اسلامی برای دفاع آزادی تشکلهای و اعتراض برای آزادی فعالین زندانی چقدر توانسته پیش برود و چه جنبه های مهم و چه سنگرهایی را ساخته که مؤثر واقع شده است؟

خالد حاج محمدی: تلاش برای تشکل یابی طبقه کارگر در ایران از خواستههای اصلی طبقه کارگر ایران پیش از سالهای ۳۰ است. از زمانیکه طبقه کارگر در ایران شکل گرفت. امروز حق تشکل یک خواست عمومی و سراسری کل طبقه کارگر ایران است. در مورد این سوال که چقدر این امر پیشرفته است، پیشرفت در این عرصه جدا از موقعیت عمومی تر طبقه کارگر نیست. الان متأسفانه علیرغم مبارزات وسیع و پراکنده ای که در ایران هست که هم وسیع است و هم بطور واقعی پراکنده است، هنوز موقعیت طبقه کارگر در ایران از نظر معضلاتی که با آن روبرو هست، بسیار موقعیت دفاعی است، و این در پیشروی طبقه کارگر در عرصه تشکل یابی اش به عنوان یک گره گاه اصلی اعتراض کارگری و مبارزه کارگری، هم خود را نشان میدهد. شخصاً فکر نمیکنم طبقه کارگر در این زمینه پیشروی مهمی داشته است. ولی بحث آن هست، خواست آن هست و هر فرجه و امکانی که به وجود بیاید قطعاً این تشکلهای، شورا، اتحادیه، سندیکا و انواع و اقسام آن در ایران ایجاد خواهد شد. هر چند بخش اعظم مبارزاتی که امروز صورت میگیرد متکی به یک

نوع تشکل اعلام نشده است، بخشا متکی به مجامع عمومی و دخالت و شرکت مستقیم کارگران است. هر چند زمینه دخالت عموم کارگران وجود دارد اما هنوز طبقه کارگر پیشروی زیادی در زمینه تشکل یابی نداشته. به نظر من دلیل آن در واقع انشقاق طبقه، انشقاق فکری در صفوف طبقه کارگر، در صفوف فعالین و رهبران طبقه کارگر و در عین حال فشار و خفقانی است که در جامعه ایران شاهد آن هستیم. زندگی اسالو یک نمونه است از دهها و صدها نمونه از زندگی فعالین کارگری ای که در این زمینه تلاش کرده اند که دست کارگر را در یک بخش و در یک محل و در یک شهر در دست همدیگر بگذارند، اتحادش را درست کنند، تشکل اش را درست کنند و به همین جرم چنین وضعیتی را به این فعالین تحمیل کرده اند.

مصطفی اسد پور: در اطلاعاتی آمده است و شما هم در صحبتهایتان اشاره کردید، سرگذشت تک تک روزهایی که اسالو در زندان بود سرگذشت نفرت از جمهوری اسلامی است. یک سرکوب سنگین، سرکوب نفرت انگیز، توحشی که به این انسان روا شد، مسئله بیماری ها و شکنجه های او. و بدون هیچ تردیدی همه این سرگذشت میتواند یکی از کیفیخواستههای سنگین طبقه کارگر و آزادی خواهان بر علیه جمهوری اسلامی باشد. اما همزمان گفته میشود که هنوز باید اسالو را از خوش شانس ترین ها در میان کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی در ایران به حساب آورد که نهادهای متعدد بین المللی به زندگی و سلامت او حساسیت نشان دادند. از اروپای متحد بگیر تا اتحادیه های کارگری، و مراکز متعدد دیگر که فراخوانهای زیادی داده شد. این کلا به "نوعی" توانست کاری کند که اسالو جان سالمی به در ببرد. اگر اینطوری نگاه کنیم برای آزادی زندانیان سیاسی و رهبران کارگری دیگر چه درسهایی را میتوان از این پروسه گرفت؟ فکر میکنید چه درسی را برای دفاع از خود اسالو، که فکر کنم کاملاً آزاد نشده، و بقیه کارگران که شما اسم بردید میتواند برای کارگران در ایران داشته باشد؟

خالد حاج محمدی: یکی از مسائل جدی و یکی از گره گاههای جدی پیشروی طبقه کارگر در مبارزاتش دفاع از فعالین و رهبرانش است. بورژوازی ایران و جمهوری اسلامی حساسیت زیادی، وسیع و همه جانبه ای نسبت به فعالین کارگری دارند، هر فعال کارگری در هر نقطه ایران اگر تلاشی کرده است را به زندان می اندازد یا اخراج میکند و فشار اقتصادی

مضاعفی را به آنان تحمیل میکند (نمونه فعالین کارگری در هفت تپه را در نظر بگیرید که همه از کار اخراج شده اند). این حساسیت جمهوری اسلامی بی خود نیست. جمهوری اسلامی مثل هر دولت بورژوائی دیگر میداند که اگر طبقه کارگر امکان سر بلند کردن و متشکل شدن را داشته باشد کل موجودیتش را به خطر میاندازد.

بطور واقعی معضلی که طبقه کارگر در ایران با آن طرف است و آنچه باعث شده بورژوازی ایران بتواند تا این درجه از فشار را بر طبقه کارگر اعمال کند، از اختناق گرفته تا فشار به کارگران و وضعیت بد اقتصادی و اخراج و بیکارسازی و کار قراردادی و همه اینها را اعمال کند، پراکندگی و انشقاق در درون طبقه کارگر است. آن حلقه اصلی که در مرحله اول میتواند این انشقاق و پراکندگی را کنار بگذارد و طبقه کارگر را متحد کند نقشی است که رهبران و فعالین این طبقه دارند.

حساسیت رژیم از این سر است. حساسیتی که جمهوری اسلامی مثلاً به طرحهای "براندازی" و "کودتا" علیه جمهوری اسلامی یا به قول خودشان "سران فتنه" نشان میدهد با حساسیتی که به یک فعال کارگری مانند اسالو، رخشان، شهبایی و صالحی و غیره نشان میدهد قابل مقایسه نیست. درسی که این مسئله برای طبقه کارگر دارد این است که مهمتر از هر مطالبه ای و در کنار هر اعتراض و مطالبه ای، از افزایش دستمزد گرفته تا پرداخت حقوق معوقه دفاع از فعالین کارگری، دفاع از سخنگویان اعتراض کارگر در آن جامعه، یک مسئله جدی و مهم است. تجربه کارگران پتروشیمی ماهشهر در این زمینه بسیار ارزشمند است و سطح بالایی از هوشیاری را نشان میداد که برای طبقه کارگر بسیار آموزنده است. تضمین اینکه دولت و کارفرما و حراست در ماهشهر و در پتروشیمی ها بعد از اعتصاب، بعد از توافقاتی که ایجاد شده حق ندارند یک کارگر را دستگیر کنند، حق ندارند یک رهبر کارگری را اخراج کنند نشانه این هوشیاری بالا است. تجربه ماهشهر بطور واقعی باید سرمشقی برای طبقه کارگر در همه مراکز تولیدی و در همه مراکز کاری و در هر اعتراض و اعتصاب کارگری باشد. دفاع از رهبران و فعالین کارگری، بعنوان عناصر پیوند دادن و ایجاد همبستگی و اتحاد طبقه کارگر، حیاتی ترین و لازم ترین نیاز طبقه کارگر در ایران است.

مصطفی اسد پور: اجازه بدهید سوال دیگری مطرح کنم. تا آنجا که به سرگذشت مبارزه برای آزادی اسالو مربوط است، اشکال مختلفی را تا آنجا

که مشخصاً به داخل ایران مربوط باشد را میبینید. اینکه نامه های اعتراضی گاهاً نوشته شد، اینکه بحث صندوقهای حمایت مالی مطرح شد، اینکه خبر رسانیها مطرح شد. هیچکدام از اینها نتوانستند فشار بزرگی وارد کنند و یا شکل گیری جنبشی و یا حرکتی را در دفاع از کارگران زندانی داشته باشد. اگر نگاه کنید مهمترین اینها که میتوانست مؤثر واقع شود، آنهایی که جایش خالی است، کدام را میتوانست اسم ببرید؟

خالد حاج محمدی: چیزی که جایش خالی است راستش نه تنها در دفاع از فعالین کارگری بلکه در زمینه های دیگری هم جایش خالی است، چیزی که لازم بود و متأسفانه صورت نگرفت این است که وقتی رهبر و فعال کارگری در هفت تپه یا ایران خودرو و در ماهشهر و پتروشیمی دستگیر میشود ما شاهد اعتراضی عمومی و سراسری برای آزادی آنها نیستیم. نمونه آن کارگران شرکت واحد هستند که در زندان هستند و ما شاهد اعتراضی عمومی برای آزادی آنها نیستیم. چیزی که مهم است و چیزی که صورت نگرفته آن است که اعتراض عمومی و سراسری بر علیه دستگیری اسالو و هر فعال دیگر کارگری صورت نگرفت. مسئله اسالو فقط مسئله کارگر شرکت واحد نیست. این فشاری است بر کل طبقه کارگر، فشاری است که جمهوری اسلامی آگاهانه و نقشه مند کل طبقه کارگر و کل فعالین کارگری را با آن تنبیه می کند. به همین دلیل جا دارد که در همین سطح هم به این مسئله نگاه بشود و در همین سطح هم به این مسئله حساسیت نشان داده شود. این که چه اعتراضی را در این زمینه میتوانند پیش ببرند بستگی به توازن قوایی است که در محل فعال محلی تشخیص میدهد. از تعطیل کردن یک ساعت کار، گرفته تا تجمع و نامه اعتراضی و به قول شما از صندوق حمایت مالی از تشکیل هیئتهای مذاکره و غیره. ببینید الان تعدادی از فعالین شناخته شده کارگری حداقل از شرکت واحد و نیشکر هفت تپه در زندان هستند. اگر واقعا جمع های وسیعی از مراکز اصلی تولیدی مشترکاً فراخوانی میدادند و تهدید میکردند و اولتیماتوم میدادند که اگر اینها را آزاد نکنید، مثلاً ساعتی دست از کار می کشیم، اگر این کار را نکنید اعتصاب میکنیم و غیره، اگر چنین اقداماتی صورت میگرفت جمهوری اسلامی مجبور میشد عقب نشینی کند. اینکار علاوه بر اینکه یک همبستگی عمومی در طبقه کارگر ایجاد میکرد، جمهوری اسلامی را وادار میکرد که تن به اجرای خواست آنها

مرگ بر جمهوری اسلامی!

سفر هیات نمایندگی احزاب کمونیست

اوضاع جاری مصر، موقعیت جنبش کارگری در مصر و عراق و سیاست "سازمانهای جامعه مدنی" که هدف آن وارد آوردن ضربه جدی به جنبش اتحادیه ای و همه اشکال سازمانیابی مستقل کارگران است تبادل نظر کردند. هیات همچنین به سوالات رهبری حزب سوسیالیست مصر درباره تفاوت‌های ما و حزب شیوعی عراقی پاسخ گفت و قرار شد به زودی جلسه دیگری برای ادامه مباحث برگزار گردد.

سوم و چهارم ژوئن هیات در کنگره "همبستگی با انقلابات جهان عرب" شرکت کرد. در این کنگره حدود دویست اکتیویست سیاسی سوسیالیست و کارگری از مصر و کشورهای عربی و اروپایی و آمریکایی و کاندایی شرکت داشتند. در بخش افتتاحیه کنگره که به پیامهای هیاتهای نمایندگی اختصاص داشت، نادیه محمود سخنرانی کرد و از اهمیت انقلاب مصر در سطح جهانی و ظرفیتهای آن در ترسیم چهره زندگی قرن حاضر سخن گفت. او همچنین تلاش شورای نظامی حاکم بر مصر در خصوص جنایی کردن اعتصابات و تظاهراتها به بهانه حفظ رشد اقتصادی را افشا کرد و گفت حاصل این تلاشها پر کردن جیب سرمایه داران است و به بهبود شرایط یک زندگی بهتر برای توده ها منجر نشده است. روز دوم کنگره هیات در کلیه مباحث شرکت کرد و مواضع خود را ارائه داد. روز سوم فارس محمود در سخنرانی در پائلی حول مسائل انقلابات جهان عرب و مقابله با امپریالیسم، تاکید کرد که: هیچ کاندایی برای کسب پیروزی و هیچ امکانی برای وارد آوردن ضربه قاطع بر کلیت سرمایه داری در سطح نیروهای محلی و جهانی آن، هم وزن تداوم انقلاب در تونس و مصر نیست، طوری که بتواند انقلاب و آلترناتیو سوسیالیستی را برای کارگران این دو کشور متحقق کند. فارس محمود حاضران را به تمرکز حول این هدف تاریخی و سرنوشت ساز فرا خواند.

دخالت هیات در بحث حول دمکراسی، "آنتی امپریالیسم" و مواضع کمونیسم کارگری و راه حلهای آن در قبال مساله لیبی و مساله فلسطین و غیره توجه و اهتمام حاضران را به خود جلب کرد. در همین زمینه در حاشیه کنگره یکی از نشریات چپ سکا تلند مصاحبه ای با فارس محمود حول موضع در قبال کشمکش فلسطین و اسرائیل و شرایط انقلابی در منطقه و تاثیرات آن بر عراق ترتیب داد.

پنجم ژوئن هیات نشست دیگری با

حزب سوسیالیست مصر

داشت و در آن تبادل نظر

حول مسائل انقلاب مصر، وظایف روز کمونیستها در مصر، تجارب جنبش انقلابی در عراق و کردستان و درسهای انقلاب ۱۹۷۹ ایران ادامه یافت. همچنین در نشست بر ضرورت تقویت ارتباط و مناسبات سه حزب با حزب سوسیالیست مصر تاکید شد. در این زمینه رهبری حزب سوسیالیست مصر از هیاتی از طرف سه حزب برای شرکت در کنگره حزب سوسیالیست در اواسط ژوئن دعوت کرد.

ششم ژوئن هیات با فاطمه رمضان از رهبران و مبارزان کارگری و سوسیالیست شناخته شده مصر دیدار کرد و درباره جنبش کارگری و اوضاع زنان کارگر، نقش و دخالت زنان در جنبش انقلابی جاری و راههای تقویت این نقش و دخالتگری گفتگو کردند. همچنین هیات با کریم بحیری از فعالین سوسیالیست و انقلابی چندین بار دیدار کرد و در زمینه مسائلی متنوع مربوط به انقلاب، اوضاع توده های محروم و موقعیت چپ در مصر تبادل نظر کردند. در همان روز هیات در یک حرکت اعتراضی گسترده در مقابل وزارت کشور شرکت کرد که حاوی سخنرانیه و شعارهای متعددی علیه شورای نظامی بود. این تجمع در سالگرد ترور خالد سعید بر اثر شکنجه توسط نیروهای امنیتی آن وزارت برگزار شده بود و سخنرانان به دولت و شورای نظامی اخطار میکردند که توده ها در خیابان هستند و میدان آزادی همچنان سر جایش هست. در این تجمع هیات با جمعی از فعالین چپ که پرشورانه در انقلاب شرکت داشته و آن را سازمان داده بودند ملاقات کرد و حول مسائل انقلاب و جنبش کارگری و دیدگاه و راه حل کمونیسم کارگری در قبال مساله فلسطین با آنان به گفتگو پرداخت.

هفتم ژوئن، هیات در جلسه ای که مرکز مطالعات سوسیالیستی درباره پیشنهاد تجدید نظر در برنامه خصوصی کردنهای رژیم سابق و ضرورت بازگشت به مالکیت دولتی در بخشهای تولیدی فروخته شده به بخش خصوصی ترتیب داده بود شرکت کرد. خطی که هیات در این جلسه تعقیب کرد تاکید بر اولویت دادن به تحقق مطالبات توده ای، قطع نظر از شکل سرمایه دارانه حاکم اعم از بخش دولتی و خصوصی بود. در جلسه آثار منصور حکمت و جزوه هایی شامل بیانیه های سه حزب و مقالات رهبران و کادرهای سه حزب درباره تحولات انقلابی منطقه بین سازماندهندگان جلسه توزیع گردید.

هشتم ژوئن، هیات با دو تن از اعضای رهبری حزب همپیمانی ملی سوسیالیستی جلسه برگزار کرد. تمرکز بحث بر آینده اوضاع و تحولات سیاسی، مسائل مهم مطرح در دستور کار چپ در مصر بود. طرفین بر اهمیت و ضرورت ادامه و گسترش رابطه فیمابین تاکید کردند. غروب همان روز، هیات در نشست رهبران کارگری برای هماهنگ کردن تلاشهای معطوف به تاسیس اتحادیه های مستقل کارگری در مصر شرکت کرد. مصر امروز شاهد جنبش گسترده ای در زمینه تاسیس دهها اتحادیه مستقل است. در این نشست که حدود بیست نفر از رهبران کارگری در آن شرکت داشتند هیات با استناد به تجارب سازماندهی کارگری در عراق و کردستان و توضیح جوانب آن، در بخشهایی از مباحث دخالت کرد. تمرکز بحث هیات بر این بود که در عین پشتیبانی از همه اشکال سازماندهی مستقل کارگری، توجه رهبران عملی کارگری و سوسیالیست را بالاخص به سازماندهی شورایی جلب میکند. بعد از نشست، هیات بار دیگر با حمده حسینی از رهبران کارگری مصر ملاقات کرد و درباره اوضاع جنبش کارگری مصر، حرکتهای اعتراضی و مطالباتی و نقش آنها در آفریدن زمینه شعله ور شدن انقلاب در مصر و ادامه آن با هم گفتگو کردند.

دیروقت همان شب نادیه محمود و فارس محمود همراه با کریم بحیری در یک تجمع اعتراضی خانواده های بی مسکن (ساکنان حلبی آبادها) حضور یافتند که در آن جمعیت زیادی از بزرگ و کوچک در سطح خیابان در مقابل یکی از ساختمانهای دولتی مربوط به این مشکل روی زمین نشسته بودند و با سر دادن شعارها از دولت میخواستند به وعده هایش در مورد تامین مسکن برای آنها، فوراً عمل کند. این شعاردادنها تا بعد از نیمه شب ادامه داشت. بیخانمانها از اوضاع فاجعه بار زندگی خود در جاده ها میگفتند و در این زمینه هیات با فعالین کارگری



حاضر در آن صحنه حول ضرورت عاجل دخالتگری کمونیستی در اعتراضات بیخانمانها گفتگو میکردند.

در خلال این سفر هیات همچنین با شمار زیادی از فعالین سوسیالیست و کارگری دیدار داشت که در همه دیدارها عموماً بحث بر کمونیسم کارگری و تحولات انقلابی اخیر منطقه متمرکز میشد. لازم به یادآوری است که در این سفر نسخه هایی از کتاب منتخب آثار (عربی) منصور حکمت، دهها نسخه از مباحث کمونیسم کارگری و مقالات رهبری و کادرهای سه حزب حول تحولات انقلابی منطقه که به صورت جزوه چاپ شده بود توزیع گردید. همچنین سند "حقوق جهانشمول انسان" در اختیار احزاب سیاسی چپ قرار گرفت و تاکید شد که این سند را به عنوان یک سند پایه ای مبارزاتی در پراتیک و تبلیغات و برنامه سیاسی خود در نظر بگیرند.

سفر این هیات با استقبال گرم و صمیمانه در همه سطوح روبرو شد.

حزب کمونیست کارگری عراق

حزب کمونیست کارگری کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران-

حکمتیست

۱۲ ژوئن ۲۰۱۱

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی
کمونیست

زنده باد سوسیالیسم